

Exploring the Continuity and Discontinuity of Sūrat l-‘Alaq’s Revelation

Muḥammad ‘Ali Ḥaydarī Mazr‘aiḥ Ākhund¹
Munīriḥ Sādāt Madanī^{**}
Ilhām Ḥammādī^{***}

Received:23/01/2019
Accepted:29/07/2019

Abstract:

Some believe that the first five verses in *sūrat l-‘alaq* have been revealed a little before the other verses in the *sūrah*; *sūrat l-Mudathir*, *sūrat l-Ḍuḥā* and *sūrat l-Qalam* are the *sūrahs* revealed in the interval between the revelation of the first five verses and the final verses in *sūrat l-‘Alaq*. The present study deals with the frequency of these famous sayings in the Islamic sources and clarifies the inaccuracy of the aforesaid sayings. The necessity of the discussion lies in the continuity of the verses in a *sūrah* and proving the verbal and semantic relationships between them and, eventually, coherent interpretation of a *sūrah* and text. Acceptance of the pause between the beginning and ending verses in *sūrat l-‘Alaq* would be in contradiction to the holy Quran’s verses (expressive of the revelation of complete *sūrahs* of the holy Quran) and narrations on the order of revelation. It has been justified in the current research paper that the verses in *sūrat l-‘alaq* have been revealed all at once and in a continuous manner.

Keywords: Sūrat l-‘alaq, holy Quran’s revelation, continuous revelation of the *sūrahs*, appointment, Makkī *sūrahs*.

¹ Assistant professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Iran. (Corresponding Author) heydari@yazd.ac.ir

^{**} M.A Student, University of Science and Education of the Holy Quran, Yazd, Iran. M.madani126@yahoo.com

^{***} M.A Student, University of Science and Education of the Holy Quran, Yazd, Iran. ely.hamadi60@gmail.com

واکاوی کیفیت نزول سوره علق به صورت پیوسته یا گسسته

محمد علی حیدری مزرعه آخوند*

منیره السادات مدنی**

الهام حمادی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

برخی بر این عقیده‌اند که ۵ آیه ابتدایی سوره علق با فاصله زمانی نسبت به دیگر آیات این سوره نازل شده است و بین آیات ابتدایی و انتهایی سوره علق با سوره‌های مدثر، ضحی و قلم نازل گشته. در این پژوهش به بیان بسامد این اقوال مشهور در منابع اسلامی پرداخته و عدم صحّت اقوال فوق را آشکار نموده‌ایم. ضرورت بحث اثبات پیوستگی آیات یک سوره و اثبات ارتباط لفظی و معنایی آن‌ها و در نهایت تفسیر منسجم از یک سوره و متن است. پذیرش وقفه بین آیات ابتدایی و انتهایی سوره علق با آیات قرآن کریم و روایات ترتیب نزول در تضاد است. در این تحقیق اثبات شده است که آیات سوره علق پیوسته و با همدیگر نازل شده است.

واژگان کلیدی

سوره علق، نزول قرآن کریم، نزول پیوسته سوره‌ها، بعثت، سور مکی.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، ایران. (نویسنده مسئول) heydari@yazd.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم یزد، ایران.

M.madani126@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم یزد، ایران.

ely.hamadi60@gmail.com

طرح مسئله

درباره چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم بین مفسران و محققان علوم دینی اختلاف است، برخی بر این باورند که بیشتر سوره‌های قرآن کریم، خصوصاً سوره‌های کوتاه به یک‌باره نازل شده است و هیچ وقفه‌ای بین نزول آیات این سوره‌ها به وجود نیامده است؛ برخی دیگر بر این اعتقادند که امکان نزول گسسته و غیریوسته در سوره‌های قرآن کریم وجود دارد. گروه اول با استناد به حدیث امام صادق (علیه السلام) مبنی بر نزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بر پایان سوره در حال نزول و شروع نزول سوره جدید (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹)، آیات قرآن کریم و نیز پیوستگی لفظی و معنایی بین جمله‌ها و آیه‌های یک سوره و نیز تضعیف و رد سخنانی چون «ضعوا هذه الآية في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۲۷۲) و «كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ فَأَتْجَتْهُ سُورَةٌ بِمِثْلِهَا كُنْتُ مَكِّيَّةً، ثُمَّ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مَا يَشَاءُ بِالْمَدِينَةِ» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴)، نظر خویش را تقویت کرده‌اند.

گروه دوم تنها به سخنان صحابه، تابعان و تابع تابعان و اجتهادهای مفسران در طول تاریخ تفسیر که عمدتاً به اهل سنت باز می‌گردد استناد جسته‌اند. در این میان درباره نزول گسسته سوره علق قول مشهوری در بین منابع دینی وجود دارد، مبنی بر اینکه ۵ آیه ابتدایی این سوره جدای از آیات دیگر این سوره نازل شده است. این قول به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و هیچ یک از امامان معصوم (علیهم السلام) استناد داده نشده است.

پایه و اساس این سخن به عایشه و تابعان و تبع تابعانی چون عمرو بن دینار، ابن شهاب زهری و عروه بن زبیر باز می‌گردد (بخاری، ۱۴۲۲، ص ۷۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۷۹) که از نظر شیعه این سخنان نه به عنوان حدیث، که اجتهادی است از جانب صحابه و تابعان و تابع تابعان. این سخنان در نظرگاه اهل سنت به عنوان حدیث موقوف و مقطوع مورد پذیرش است (مدیر شانه چی، ص ۷۹ و ۸۲) که در سلسله سند این احادیث افراد ضعیفی نظیر ابن شهاب زهری و عروه بن زبیر قرار دارند. سؤال‌های پژوهش بر این مبنا استوار شده است که پذیرش قول مشهور مبنی بر نزول گسسته سوره علق بدون همراهی با دیگر آیات این سوره با سیاق و بافت سوره همخوانی ندارد و مبنای قرآنی، روایی و ادبی - بلاغی نزول پیوسته سوره علق چیست؟

پیشینه تحقیق

در زمینه مبانی و سخنان مشهور منتج به نزول گسسته یا پیوسته سوره‌های قرآن کریم پژوهش‌های متعددی انجام شده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

«نقد و بررسی دلالت روایت «ضَعُوا هَذِهِ الْآيَاتِ...» بر نزول گسسته‌ی سوره‌های قرآن» به قلم زهرا کلباسی و امیر احمد نژاد در مجله مطالعات فهم حدیث. در این مقاله به نقد و شرح عبارت «ضَعُوا هَذِهِ الْآيَاتِ هَذِهِ الْآيَاتِ فِي سُورَةِ كَذَا» پرداخته شده و این عبارت بی اعتبار قلمداد شده است. در حقیقت مقاله مذکور یکی از مبانی اعتقاد به نزول پیوسته سوره‌ها را به نقد کشیده است.

مقاله «نگاهی به چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم» به قلم محمد خامه گر در مجله پژوهش‌های قرآنی. مقاله مذکور به بیان دلایل و مبانی نزول پیوسته سوره‌ها و رد دلایل نزول گسسته سوره‌ها پرداخته است، اما در مقاله پیش رو تنها به بررسی نزول پیوسته سوره علق پرداخته شده است. با توجه به اهداف و ماهیت موضوع، در این نوشتار به گردآوری روایات مربوط به نزول سوره علق پرداخته شده سپس با رویکرد سند شناسی و توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

۱. دیدگاه مفسران درباره نزول گسسته سوره علق

برخی از مفسران در طول تاریخ تفسیر با استناد به سخنان عایشه و تابعان و تابع تابعان، ۵ آیه ابتدایی سوره علق را بدون دیگر آیات این سوره اولین فقره نزول وحی دانسته‌اند (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۶۰۸؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۵۰۱). برخی نیز بدون استناد و صرفاً با تکیه بر قول مشهور بر این اعتقادند که اولین فقره نزول وحی، ۵ آیه ابتدایی سوره علق است.

اولین بار مقاتل بن سلیمان این موضوع را در ابتدای تفسیر سوره علق بیان کرد: «وکان أول شيء نزل من القرآن خمس آیات «أول» هذه السورة» (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۷۶۱) تا اینکه مفسران دوره‌های بعد با تکیه بر اجماع و نظر مفسران پیشین آن را رأیی قطعی پنداشته (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۱۲؛ خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶، ص ۱۶۲۲) غافل از آنکه این سخن هیچ مبنایی نداشته و از آنجایی که این سخن به پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) استناد داده نشده، می‌توان آن را اجتهاد عایشه پنداشت. برخی نیز با ذکر اقوال متفاوت و بعضاً متضاد در کنار گفتار عایشه مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق به عنوان اولین سوره نازل شده، اولین سوره نازل شده را مدثر و حمد ذکر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۷۵؛ ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۹۵۵).

سخن عایشه در نزد اهل سنت به عنوان حدیث موقوف قابل پذیرش است اما از جانب شیعه نه حدیث و روایت، بلکه اجتهادی است از جانب عایشه. از آنجایی که ریشه این تفکر

به سخن عایشه و دیگر صحابه باز می‌گردد، به تفکیک به ذکر این روایات و نقد آن پرداخته می‌شود:

۲. بسامد اقوال مبنی بر نزول گسسته سوره علق

در این بخش به بیان بسامد اقوال مبنی بر نزول گسسته سوره علق پرداخته می‌شود: با کنکاش در میان منابع تاریخی، روایی و تفسیری چنین به نظر می‌رسد که این تفکر (نزول منقطع و گسسته سوره علق) ریشه در سخنان عایشه، ابن شهاب زهري، عروه بن زبیر و محمد بن عباد بن جعفر مخزومی دارد که با طریق‌ها و سندهای مختلف گزارش شده است. در ادامه به بیان و نقد این اقوال پرداخته می‌شود:

۲-۱. روایت عایشه

اولین بار بخاری در کتاب الجامع الصحیح در قسمت «بدء الوحي» سخن زیر را از عایشه نقل کرد. سپس مفسران به نقل از صحیح بخاری سخن عایشه را تکرار کردند:

«حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ عُقَيْلٍ، عَنِ ابْنِ شَهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا قَالَتْ: رَسُولُ اللَّهِ فِي غَارِ جِرَاءٍ، فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ. قَالَ "مَا أَنَا بِقَارِئٍ". قَالَ "فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجُهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجُهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّالِثَةَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ: {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ}. فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم)...» (بخاری، ۱۴۲۲، ص ۷۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۷۹).

از سخن فوق چنین استنباط می‌شود که اولین فقره نزول وحی بر پیامبر (صلى الله عليه وآله) سه آیه اول سوره علق است و پس از آن فترت وحی اتفاق افتاده است.

«روی محمد بن اسماعیل هذا الحديث في موضع آخر من كتابه عن يحيى بن بكير بهذا الإسناد، و قال: «حدثني عبد الله بن محمد ثنا عبد الرزاق أنا معمر قال الزهري فأخبرني عروة عن عائشة و ذكر الحديث، و قال: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ حتى بلغ ما لم يعلم و فتر الوحي فترة...» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۸۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۲۱؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۵).

از عبارت فوق چنین استنباط می‌شود که اولین فقره نزول وحی بر پیامبر (صلى الله عليه وآله) ۵ آیه اول سوره علق است و پس از آن فترت وحی اتفاق افتاده است.

۲-۲. روایت عمر بن دینار و زهری

«عبد الرزاق، عن معمر، قال أخبرني عمرو بن دينار، و الزهري «أن النبي صلى الله عليه وسلم كان بحراء، إذ أتاه ملك بنمط من ديباج فيه مكتوب: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... إلى قوله: ما لَمْ يَعْلَمْ» (صنعاني، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۱۳؛ واقدي، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۴؛ سيوطي، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۶۸).

«و أخرج عبد الرزاق و عبد بن حميد عن الزهري و عمرو بن دينار «ان النبي صلى الله عليه وسلم كان بحراء إذا أتاه ملك بنمط من ديباج فيه مكتوب اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ إلى ما لَمْ يَعْلَمْ» (سيوطي، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۶۸).

۳-۲. روایت محمد بن عباد بن جعفر المخزومی

«حدثنا أبو صالح حدثني الليث حدثني عقيل عن ابن شهاب أخبرني محمد بن عباد بن جعفر المخزومي: «أنه سمع بعض علمائهم يقول: كان أول ما أنزل الله على نبيه صلى الله عليه وسلم اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ إلى عِلْمِ الْإِنْسَانَ ما لَمْ يَعْلَمْ» (بسوی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۴).

«قال محمد بن سعد: أخبرنا محمد بن عمر، حدثني معمر بن راشد عن الزهري، عن محمد بن عباد عن جعفر قال: سمعت بعض علمائنا يقول: كان أول ما أنزل على النبي صلى الله عليه وسلم: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ من عَاقِبِ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ ما لَمْ يَعْلَمْ» (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۳۸؛ ج ۴، ص ۳۳۸؛ واقدي، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۴).

از سخنان عمر بن دینار، زهری و محمد بن عباد جعفر مخزومی می توان نتیجه گرفت که ۵ آیه از آیات ابتدایی سوره علق از اولین فقره نزول وحی بر پیامبر است بدون تصریح به وجود فترت وحی. از آنجایی که ریشه قول مشهور مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق ریشه در روایت های فوق دارد به نقد و بررسی آنها از دو جهت سندی و نقدی پرداخته می شود:

۳. نقد سندی روایات نزول گسسته سوره علق

منظور از نقد سندی بررسی سلسله سند روایت از جهت اتصال و عدم اتصال روایات یک طبقه و نیز جرح و تعدیل افراد مذکور در سلسله سند یک روایت است. سلسله سند روایت های فوق به ابن شهاب زهری و عروه بن زبیر ختم می شود. نیز روایت های فوق از

جهت اتصال و انقطاع در ردیف احادیث مرسل و منقطع قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

۳-۱. اعتبارسنجی راویان حدیث

در این قسمت به بررسی شخصیت و زندگی ابن شهاب زهری و عروه بن زبیر پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱. ابن شهاب زهری

ابوبکر محمد بن مسلم بن عبیدالله شهاب زهری، از محدثان قرن دوم هجری است، وی منسوب به قبیله بنی‌زهرة بن کلاب است، او در سال ۵۱ هجری قمری در مکه تولد یافت (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۷، ص ۹۷). زهری از کارگزاران و عمال بنی امیه بود و از پیروی اهل بیت (علیهم‌السلام) منحرف بوده است. گرچه عده‌ای وی را از جمله یاران امام سجاد (علیه‌السلام) دانسته‌اند (خوبی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۸۱) اما با توجه به متن نامه‌ای که حضرت سجاد (علیه‌السلام) به او نوشت، می‌توان به شدت ناراحتی این امام بزرگوار از این فرد و نهیب‌های کوبنده ایشان به او و امثالش واقف شد (واقدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۸).

علاوه بر این برخی از علمای شیعه با توجه به روایتی که ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه نقل می‌کند که او به همراه «عروه بن زبیر» در مسجد پیامبر نشستند و از حضرت علی (علیه‌السلام) بدگویی می‌کردند که با برخورد شدید حضرت (علیه‌السلام) مواجه شدند، از آن جهت او را «عدو» و «متهم» دانسته‌اند (ابی الحدید، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹).

وی که در سند تعدادی از روایت جوامع شیعه هم قرار دارد توسط شیخ طوسی در رجال، یک بار «عدو» و بار دیگر مهمل گذاشته شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۹ و ۲۹۴). رجالیان متأخر چون علامه حلی و ابن داوود هم او را ضعیف شمرده‌اند (حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۹۲؛ ابن داوود، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). به هر حال در این که زهری، دین را در خدمت دنیا قرار داده بود و به سلاطین ظالم نزدیک بوده و در تعمیق و تحکیم حاکمیت آن‌ها خواسته یا ناخواسته مشارکت داشته است، شکی نیست.

اوج فعالیت ابن شهاب که باید نقطه آخر انحرافش هم باشد نقش برجسته‌اش در جریان مدیریت و ساماندهی امر اخبار و احادیث در دوره امامان باقر (علیه‌السلام) و صادق (علیه‌السلام) است که امویان در رقابت با اهل بیت (علیهم‌السلام) برخی اصلاحات چون نگارش و ساماندهی اخبار

را در دستور کار قرار دادند. زهری در این ماجرا توانمندی‌اش را به کار گرفت و با اجابت درخواست نگارش حاکمان و نقل و ثبت عمدتاً جانبدارانه، برای همیشه جریان اخبار را تحریف نمود (حیدری نسب، ۱۳۹۰، ص ۹۴). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قرار گرفتن ابن شهاب زهری در سلسله سند روایت عایشه مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق سبب ضعف روایت می‌شود.

۳-۱-۲. عروه بن زبیر

ابو عبدالله عروه بن زبیر بن عوام اسدی قرشی یکی از فقهای سبعة مدینه است و در سال ۲۳ قمری به دنیا آمد (ابن خیاط، ۱۳۸۷، ص ۸۹). مادرش اسماء دختر ابوبکر بود، هر چند از وی بیشتر به عنوان فقیهی نام برده شده که در حوادث سیاسی زمان خودش دخالت چندانی نمی‌کرد؛ اما با این حال به سبب دشمنی و عداوت نسبت به حضرت علی (ع) در حادثه جنگ جمل به سپاه جمل پیوست؛ اما به سبب کوچکی سن پذیرفته نشد (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۵۶۹). در جریان شورش برادرش عبدالله بن زبیر بیشتر با امویان و عبدالملک هم نظر و همراه بود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۲۸) و در مدت نه سالی که برادرش عبدالله بن زبیر در مکه دعوی خلافت داشت، همراه او بود (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۲۸).

عبدالملک بن مروان از عروه در مورد وقایع صدر اسلام پرسش‌هایی می‌نموده و او نیز در نامه‌هایی که در جواب عبدالملک می‌نگاشته از ابتدای نزول وحی و آغاز کار مسلمین در مکه و غزوات پیامبر و حوادث آن سخن رانده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۲۵؛ ابن خیاط، ۱۳۸۷، ص ۸۹). حدیث نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق را از عایشه و خاله خود نقل کرده است. بنابراین با این توصیف‌ها به این راوی نیز نمی‌توان اعتماد کرد و روایت عایشه مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق را در ردیف احادیث ضعف قرار می‌دهد.

۳-۲. بررسی وضعیت سندی احادیث

تمامی احادیث ذکر شده مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق از عارضه و ضعف ارسال برخوردار است و در اصطلاح به این احادیث حدیث مرسل گفته می‌شود و حدیث مرسل در ردیف احادیث ضعیف قرار دارد. عایشه در سال چهارم یا پنجم بعثت متولد شده است (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۳۱). ابن شهاب زهری در سال ۵۱ هجری قمری در مکه تولد یافت (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۷، ص ۹۷)، بنابراین هیچ یک شاهد نزول اولین آیات و یا سوره نازل شده نبوده‌اند و به جهت علم حدیث کسی که شاهد نزول وحی است باید روایتگر

باشد. کما اینکه در روایت محمد بن عباد بن جعفر المخزومی به عبارت سمع بعض علمائهم ذکر شده است بدین معنا که گوینده اصلی این سخن نیز مهمل گذاشته شده است. بنابراین جدای از افراد ضعیف سلسله اسناد روایات، این احادیث متصل و مسند نیست و عدم اتصال و اسناد از اسباب ضعف حدیث شمرده می‌شود.

۴. نقد متنی روایات نزول گسسته سوره علق

سخن بیان شده از عایشه مبنی بر نزول ۵ آیه اول سوره علق از جهت محتوا و مضمون نیز خلاف آیات، روایات و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، نیز بین روایات اضطراب متنی وجود دارد. در ادامه به بیان هر یک پرداخته می‌شود:

۴-۱. تضاد با آیات قرآن کریم

در روایت از دلهره، ناراحتی، ترس و عدم آمادگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمان دریافت وحی سخن به میان آمده است، در حالی که در آیات قرآن کریم بیان شده است: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (الانعام: ۱۲۴). در روایت از تردید و شک پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن به میان آورده است، در حالی که این مفهوم مخالف آیات ذیل است: «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ أَفَتُمَارُونَهُ عَلٰى مَا يَرٰى» (النجم: ۱۰-۱۲).

در روایت از عدم توانایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خواندن آیات ابتدایی تصریح دارد در حالی که این مفهوم خلاف آیات «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» (النجم: ۵-۴) است.

۴-۲. تضاد با دیگر روایات صحیح

در بین روایات در هنگام نزول اولین وحی از آرامش خاصی سخن به میان آمده است. ابن عباس گوید:

«بعث الله عز و جل محمدا على رأس خمسين سنة من بنیان الكعبة، و كان أول شيء أراه من النبوة رؤيا في النوم فذكر نحو ما تقدم و في آخره: فلما قضى إليه الذي أمر به انصرف رسول الله (صلی الله علیه و آله) منقلبا إلى أهله، لا يأتي على حجر و لا شجر إلا سلم عليه: سلام عليك يا رسول الله، فرجع إلى بيته و هو موقن، قد فاز فوزا عظيما» (ابن سيد الناس، ۱۴۱۴، ص ۱۶۱).

۳-۴. اضطراب متن روایت

علاوه بر این در حدیث مدّعی نزول غیر پیوسته سوره علق اضطراب متنی وجود دارد و حدیث مضطرب متنی در ردیف احادیث ضعیف است و آن حدیثی است که از لحاظ متن مختلف نقل شده باشد مثل این که در یک مطلبی ذکر شود که با روایت دیگر مخالف باشد. از این جهت در برخی روایت‌های مبتنی بر نزول سوره علق سه آیه اول سوره علق را از اولین فقرات نزول ذکر کرده است مانند:

«حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ عُقَيْلٍ، عَنْ ابْنِ شَهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا قَالَتْ: رَسُولُ اللَّهِ فِي غَارِ حِرَاءٍ، فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ. قَالَ "مَا أَنَا بِقَارِئٍ". قَالَ "فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجُهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. فُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجُهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. فُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّالِثَةَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ: {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ} . فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ (بخاری، ۱۴۲۲، ۷۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۷۹).

در روایتی دیگر ۵ آیه ابتدایی از اولین فقرات نزول وحی ذکر شده است مانند:

«عبد الرزاق، عن معمر، قال أخبرني عمرو بن دينار، و الزهري أن النبي صلى الله عليه وسلم كان بجرا، إذ أتاه ملك بنمط من ديباج فيه مكتوب: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ .. إلى قوله: ما لم يعلم» (صنعاني، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۱۳؛ واقدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۶۸).

در برخی از روایت‌ها نیز از ۸ آیه سخن به میان آمده است مانند: «حدثني بكر بن الهيثم، ثنا عمرو بن عاصم، عن هشام بن الكلبي، عن أبي صالح قال أول ما نزل من القرآن اقرأ باسم ربك الذي خلق، حتى بلغ إلى الرجعي». (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۰).

برخی از مفسران نیز با توجه به این روایت اولین فقرات نزول وحی را ۸ آیه اول سوره علق می دانند: «هذا أول ما كلم جبريل النبي صلى الله عليه وسلم حين تبدى له. قال له: اقرأ باسم ربك الذي خلق ... إلى قوله: إن إلى ربك الرجعي» (هوارى، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۴۷۱)، و «قوله: اقرأ باسم ربك الذي خلق أول ما كلم جبريل النبي صلى الله عليه وسلم حين تبدى له قال له: اقرأ باسم ربك الذي خلق ... إلى قوله: إن إلى ربك الرجعي» (ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴، ص ۵۲۸).

۵. نقد و بررسی دلایل طرفداران نزول گسسته سوره‌ها

طرفداران نزول گسسته سوره‌ها به آیات مستثنیات و دو عبارت مشهور «ضعوا هذه الآية في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا» و «كانت إذا نزلت فاتحة سورة بمكة كتبت مكتبة، ثم يزيد الله فيها ما يشاء

بالمدينة) و اسباب نزول‌های متفاوت و متباعدالزمان در یک سوره استناد جسته‌اند. در ادامه به نقد و بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود تا صحت و سقم هر یک آشکار گردد:

۱-۵. نقد مستثنی بودن برخی آیات از کل سوره

یکی از علت‌های اعتقاد به نزول گسسته سوره‌های قرآن کریم، اعتقاد به آیات مستثنیات است. در اصطلاح به تداخل آیات مکی در سوره‌های مدنی و تداخل آیات مدنی در سوره‌های مکی آیات مستثنیات گفته می‌شود. آیات مستثنیات در طول تاریخ تفسیر و بنا بر علت‌هایی نظیر اسباب نزول جعلی، خلط میان معیارهای مکی و مدنی، تفسیر نادرست برخی از آیات قرآن کریم به وجود آمده است (حیدری مزرعه آخوند، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵-۱۴۲). مسئله استثناء و تداخل آیات مکی و مدنی از ابعاد مختلف فیزیکی، روایی، عقلی، بلاغی و نحوی باطل است (فائز، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲).

البته درباره سوره علق باید گفت که بعد از ادعای نزول ۳، ۵ و یا ۸ آیه ابتدایی سوره علق در هیچ سخن و روایتی بیان نشده است که ادامه سوره چه زمانی و در چه مکانی نازل شده است. بنابراین با رد آیات مستثنیات و بطلان این نظریه حداقل نمی‌توان به پذیرش ادامه نزول سوره علق در مدینه حکم داد.

۲-۵. نقد عبارت «ضعوا هذه الآية»

در لابه‌لای منابع روایی اهل سنت عبارتی وجود دارد که از آن نزول گسسته سوره‌ها نتیجه‌گیری می‌شود، آن عبارت، سخن عثمان است که آن سخن چنین است «ضعوا هذه في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا» البته این عبارت در جهت توجیه کار عثمان مبنی بر متصل نمودن دو سوره انفال و توبه و حذف عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از میان آن دو است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۷). عبارت چنین است:

«ابن عباس قال قلت لعثمان بن عفان ما حملكم أن عمدتم إلى الأنفال وهي من المثنى وإلى براءة وهي من المئين فمترنتم بينهما ولم تكثبوا بينهما سطر بسم الله الرحمن الرحيم ووضعتموها في السبع الطول ما حملكم على ذلك فقال عثمان كان رسول الله صلى الله عليه وسلم مما يأتي عليه الزمان وهو تنزل عليه السور ذوات العدد فكان إذا نزل عليه شيء دعا بعض من كان يكثب فيقول ضعوا هؤلاء الآيات في السورة التي يذكر فيها كذا

وَكَذَا وَإِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ الْآيَةُ فَيَقُولُ ضَعُفُوا هَذِهِ الْآيَةَ فِي السُّورَةِ الَّتِي يُدَكِّرُ فِيهَا كَذَا وَكَذَا» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۴۲؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۱۳).

سخن فوق از جهات مختلف دچار ضعف است. تأمل در اسناد چندگانه این روایت نشانگر ضعف چشمگیر همه آن‌ها به سبب وجود حلقه‌های مشترک راویان، مجهول بودن یکی از روایات اصلی (یزید فارسی) و در نهایت تفرد عثمان در نقل این سنت و حیانی است. از دیگر سو، متن روایت نیز به سبب وجود نسخ مختلف دچار اضطراب بوده و حتی در برخی نسخ موضوع روایت به کلی تغییر یافته و دلالت روایت عثمان بر نزول گسسته سوره‌ها قابل قبول نیست (کلباسی و احمدنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). بنابراین با تضعیف یکی دیگر از مبانی اعتقاد به نزول گسسته سوره‌ها، پذیرش گسسته سوره علق نیز قابل قبول نیست.

۳-۵. نقد عبارت «إِذَا نَزَلَتْ فَاتِحَةُ سُورَةِ بَمَكَّةَ كَتَبَتْ مَكِّيَّةً»

از دیگر علت‌های اعتقاد به نزول گسسته سوره‌ها عبارت «كانت إذا نزلت فاتحة سورة بمكة كتبت مكية» است. عبارت ذکر شده بر این مطلب دلالت دارد که شروع نزول برخی از سوره‌ها در مکه بود و پایانش در مدینه. سخن فوق اولین بار توسط ابن ضریس در فضائل القرآن ذکر شد، سلسله سند روایت چنین است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ الرَّازِي أَنْبَأَنَا عَمْرُو بْنُ هَارُونَ، حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عَطَاءٍ الْخِرَاسَانِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ فَاتِحَةُ سُورَةِ بَمَكَّةَ كَتَبَتْ بِمَكَّةَ ثُمَّ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مَا شَاءَ» (ابن ضریس، بی تا، ص ۳۳).

روایت فوق از جهت عدم اتصال به فرد شاهد نزول وحی در مکه (ارسال سند)، تفرد در نقل و نیز به جهت وجود راویان ضعیف قابل قبول نیست. در ادامه به بررسی موارد فوق پرداخته می‌شود.

عثمان بن عطاء خراسانی مشهور به عطاء بن ابی مسلم المحدث است، ابن حبان گوید وی زاده بلخ است و اصلش از عراق است و از آنجایی که در خراسان اقامت گزید به خراسانی مشهور شد. حافظه قوی نداشته و نمی‌توان به حافظه وی اعتماد کرد (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۴۰). وی از ابی الدرداء، ابن عباس، مغیره بن شعبه به صورت مرسل روایت کرده است. دارقطنی بر این اعتقاد است که وی گرچه از ابن عباس روایت می‌کند اما وی را ملاقات نکرده است و بر این اعتقاد است که عطاء در این زمینه تدلیس به کار برده است (مزی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۱۰۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۹۲). بخاری و عقیلی

وی را در ردیف ضعفا قرار داده‌اند. ترمذی به نقل از بخاری گوید اکثر احادیث وی مقلوب است. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۴۰).

عبارت «کانت إذا نزلت فاتحة سورة بمكة كتبت مكية، ثم يزيد الله فيها ما يشاء بالمدينة» با سخن دیگر منقول از ابن عباس مخالف است: وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: وَأَخْبَرَنِي أَبُو قُتَيْبَةَ سَالِمُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَدْمِيُّ بِمَكَّةَ، نَا الْفَاسِمُ بْنُ زَكْرِيَّا الْمُقْرِيُّ، نَا الْحَسَنُ بْنُ الصَّبَّاحِ، قَالَ: نَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَا يَغْلَمُ حَتْمَ السُّورَةِ حَتَّى يَنْزِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (بيهقي، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۵۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۵۵).

۶. بررسی اسباب نزول سوره علق

یکی دیگر از مبانی اعتقاد به نزول گسسته سوره‌های قرآن کریم، اسباب نزول‌های متفاوت و بعضاً متباعد الزمان است که در یک سوره و یا حتی در یک آیه قرار دارد. بر این اساس محققان و مفسران به جهت همراهی با اسباب نزول‌های یک سوره، تاریخ‌های نزول متفاوتی برای یک سوره و یا یک آیه قرار داده‌اند و از این طریق به نزول گسسته سوره‌ها رأی داده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به سبب‌های نزول سوره آل عمران اشاره کرد:

جویر از ضحاک از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) گروهی از قریش در مسجدالحرام گذشت که بتان بر پا داشته، تخم شترمرغ بر آن‌ها آویخته، گوشواره در گوش بتان کرده بودند و بر آن‌ها سجده می‌بردند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: ای جماعت قریش شما آیین پدرانتان ابراهیم و اسماعیل را که مسلم بودند پشت سر انداخته‌اید. گفتند یا محمد ما این بتان را عبادت می‌کنیم تا ما را به خدا نزدیک کنند. در این هنگام خداوند آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» (آل عمران: ۳۱) را نازل کرد (عنايه، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷). از این سبب نزول چنین استنباط می‌شود که آیه ۳۱ آل عمران در مکه نازل شده است.

از دیگر اسباب نزول سوره آل عمران چنین استنباط می‌شود که آیات سوره آل عمران در زمان جنگ بدر و احد در سال دوم و سوم هجری نازل شده است:

«أخرج الواحدی عن ابن عباس قال: «انحزم أصحاب رسول الله ﷺ يوم أحد، فبينما هم كذلك إذ أقبل خالد بن الوليد بخيل المشركين يريد أن يعلو عليهم الجبل، فقال النبي ﷺ: اللهم لا يعلون علينا، اللهم لا قوة لنا إلا بك، اللهم ليس يعبدك بهذه البلدة غير هؤلاء نفر، فأنزل الله تعالى هذه الآية، و

ثاب نفر من المسلمین رماة، فصعدوا الجبل، و رموا خیل المشرکین حتی هزموهم، فذلک قوله تعالی: وَ لَا تَهْتَبُوا وَ لَا تَحْزَبُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) (عنایه، ۱۴۱۱، ص ۱۲۷).

بر اساس گزارش کتاب‌های اسباب نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران در جریان مباحثه در سال دهم هجری نازل شده است:

«أخرج الواحدی عن الشعبي عن جابر بن عبد الله قال: «قدم وفد أهل نجران على النبي ﷺ العاقب، و السيد فدعاها إلى السلام، فقالا: أسلمنا قبلك. قال: كذبتما، إن شئتما أخبرتكما بما يمنعكما من الاسلام، فقالا: هات أنبتنا! قال: حب الصليب، و شرب الخمر، و أكل لحم الخنزير، فدعاها إلى الملاعة، فوعدها على أن يغاديا بالغداة، فغدا رسول الله ﷺ، فأخذ بيد علي، و فاطمة، و بيد الحسن، و الحسين، ثم أرسل إليهما، فأبيا أن يجيبا، فأقرأ له بالخراج، فقال النبي ﷺ: و الذي بعثني بالحق، لو فعلا لمطر الوادي نارا». قال جابر: فنزلت فيهم هذه الآية: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (عنایه، ۱۴۱۱، ص ۱۳۳).

جریان مباحثه پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مسیحیان نجران در روز بیست و چهارم ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد. بنابراین با اصل قرار دادن اسباب نزول‌های فوق در سوره آل عمران می‌توان نتیجه گرفت که قسمتی از سوره آل عمران (آیه ۳۱) در مکه نازل شده است و آیه ۱۳۹ در زمان جنگ بدر در سال ۲ هجری و آیه ۶۱ در سال دهم در جریان مباحثه.

غافل از آنکه برخی از اسباب نزول‌های ثبت شده در کتاب‌های سبب نزول دارای سند‌های مخدوش است و از آنجایی که سلسله سند آن به صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز می‌گردد و صحابه در نزد اهل سنت از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است در نظرگاه آنان به عنوان حدیث صحیح قلمداد شده است و برخی از روایت‌های سبب نزول نیز نه به عنوان سبب نزول که تفسیر مصداقی آیه است. بنابراین نمی‌توان روایت‌های سبب نزول را اصل قرار داد و آیات یک سوره و یا سوره‌های قرآن کریم را تاریخ‌مند نمود. اصل بر نزول پیوسته سوره‌های قرآن کریم است مگر آنکه با نقلی صحیح خلاف آن ثابت شود.

۷. دلایل اثبات نزول پیوسته سوره علق

در این بخش به بیان استدلال‌های نزول پیوسته سوره علق پرداخته می‌شود:

۱-۷. دلایل قرآنی

اولین و محکم‌ترین دلیل بر نزول پیوسته سوره علق و دیگر سوره‌های قرآن کریم آیاتی از قرآن کریم است که در آن‌ها واژه سوره به کار رفته است و درخواست مؤمنان و نیز مخالفان

از پیامبر ^(ص) برای نزول قرآن در جهت تأمین نیازها و اهدافشان با لفظ سوره است مانند: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَىٰ لَهُمْ» (محمد: ۲۰). در این آیه مؤمنان از پیامبر و خدایشان درخواست نزول حکم قتال را دارند و از خداوند درخواست می کنند که سوره را نازل نما نه آیه.

«سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (النور: ۱).
«وَ إِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا دَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (التوبه: ۸۶).

«وَ إِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَكُنْمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (التوبه: ۱۲۴).

«وَ إِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (التوبه: ۱۲۷).

از آیات فوق نیز می توان نتیجه گرفت که نزول قرآن کریم در قالب سوره معنا می یابد نه آیه (خامه گر، ۱۳۹۶، ص ۹-۱۲). در هیچ کجای قرآن کریم نزول آیه به تنهایی به رسمیت شناخته نشده است و نیز حتی به معنای اصطلاحی آن به کار نرفته است و اکثر واژه های آیه و یا آیات به کار رفته در قرآن کریم به معنای نشانه و معجزه است که می توان سوره و یا مجموعه ای از سوره ها را نیز آیه نامید. بنابراین با این استدلال می توان بر پیوستگی نزول سوره علق به عنوان یک سوره حکم داد.

۲-۷. دلایل روایی

دلیل دیگر بر نزول پیوسته سوره علق روایاتی است که به صورت کلی در مورد همه سوره ها و به صورت خاص درباره سوره علق وارد شده است. در ادامه به بیان هر یک پرداخته می شود:

۲-۷-۱. روایات دال بر نزول پیوسته سوره قرآنی

روایاتی مبنی بر نزول پیوسته سوره های قرآن کریم در منابع روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است روایات چنین اند:

در منابع روایی شیعه روایت شده است که: «عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ^{عليه السلام} مَا أُنزِلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَ فَاتِحَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ إِذَا كَانَ يُعْرَفُ انْقِضَاءُ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِبْتِدَاءً لِالْاٰخَرٰی» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵).

در منابع روایی اهل سنت نیز روایت شده است که: «و أخرج أبو سعيد عن جبير ان في عهد النبي صلى الله عليه وسلم كانوا لا يعرفون انقضاء السورة حتى تنزل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فإذا نزلت علموا ان قد انقضت السورة و نزلت أخرى» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷).

«حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ عَلِيٍّ الْحَافِظُ، أَنبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ، ثنا رَجِيمُ بْنُ الْيَتِيمِ، وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَدْلُ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ قُتَيْبَةَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الصَّرِيْرُ، قَالَ: ثنا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ، ثنا ابْنُ جُرَيْجٍ، ثنا عَمْرٍو بْنُ دِينَارٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَعْلَمُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزَلَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، فَإِذَا نَزَلَتْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ» (حاكم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۵۶).

«سألت أبا زكريا العنبري وحدثنا به عن أبي عبد الله ثنا أحمد بن حازم بن أبي غرزة ثنا علي بن حكيم أنبأ المعتمر بن سليمان عن مثنى بن الصباح عن عمرو بن دينار عن سعيد بن جبير عن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم كان «إذا جاءه جبريل فقرأ بسم الله الرحمن الرحيم علم أنها سورة» (حاكم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶۸۸).

«وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: وَأَخْبَرَنِي أَبُو قُتَيْبَةَ سَالِمُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَدَمِيُّ بِمَكَّةَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ زَكْرِيَّا الْمُفْرِيُّ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم لَا يَعْلَمُ خْتَمَ السُّورَةِ حَتَّى يَنْزَلَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» (بيهقي، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۶).

«أبوعلی الروذباری فی کتاب السنن انبأ أبو بكر بن داسة ثنا أبو داود ثنا قتیبة بن سعید واحمد بن محمد الماروزی وابن السرح قالوا ثنا سفیان عن عمرو عن سعید بن جبير قال قتیبة عن ابن عباس قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يعرف فصل السورة حتى تنزل عليه بسم الله الرحمن الرحيم» (بيهقي، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۲)

«قال سعید بن جبير عن ابن عباس: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يعرف ختم السورة حتى نزلت بسم الله الرحمن الرحيم. و عن ابن عباس قال: كنا لا نعلم فصل ما بين السورتين حتى تنزل بسم الله الرحمن الرحيم» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۳).

از روایات فوق می توان نتیجه گرفت که با نزول عبارت «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» نزول سوره در حال نزول تمام شده است و سوره ای دیگر آغاز شده است. بنابراین با توجه به روایتهای فوق می توان نتیجه گرفت که سوره علق نیز پیوسته نازل شده است و سخن

عایشه و دیگران مبنی بر نزول ۵ آیه ابتدایی سوره علق و سپس فترت وحی و بعد از فترت نزول سوره قلم، ضحی و مدثر صحیح به نظر نمی‌رسد.

۲-۲-۷. روایات دال بر نزول پیوسته سوره علق

در میان منابع روایی شیعه نیز از نزول سوره علق سخن به میان آمده است اما در هیچ کدام از این روایات از نزول گسسته و یا ۳ و ۵ آیه سوره علق بدون دیگر قسمت‌های سوره سخنی به میان نیامده است:

«قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَوَّلَ سُورَةٍ نَزَلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶).

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» * أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸).

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِنَّهُ كَانَتْ أَوَّلَ سُورَةٍ نَزَلَتْ «أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۲۸).

۸. بررسی روایات ترتیب نزول سوره علق

روایات ترتیب نزول روایاتی است که به ترتیب، تاریخ نزول سوره‌های قرآن کریم را مشخص می‌نماید. بسیاری از مفسران با وجود کاستی‌های قابل رفع و تعارض‌های ظاهری در روایات ترتیب نزول، بر این روایات اعتماد کرده‌اند. شهرستانی در تفسیرش (۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۷) و زرکشی در «البرهان فی علوم القرآن» راویان این روایات را موثق دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۱)؛ برخی این روایات را به عنوان مبنایی قابل اعتماد در ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم به کار برده‌اند.

سید عبدالقادر ملا حویش آل غازی در تفسیر «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول»، محمد عزه دروزه در «التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول» و کتاب «سیره الرسول صور مقتبسه من القرآن الکریم» و جلال الدین فارسی در کتابهای «پیامبری و انقلاب»، «پیامبری و جهاد» و «پیامبری و حکومت» بر مبنای روایات ترتیب نزول یک دوره تفسیر کامل از قرآن را ارائه داده‌اند در تمامی این روایات نزول سوره‌های قرآن کریم با ذکر نام سوره گزارش شده و در هیچ یک از این روایات نزول یک سوره در دو یا چند مرحله

گزارش نشده است لازمه این گزارش‌ها آن است که آیات هر سوره‌ای از قرآن به صورت پی‌درپی نازل می‌شده تا اینکه سوره به پایان برسد (خامه گر، ۱۳۹۶، ص ۱۶).

در این میان در هر یک از روایت‌های ترتیب نزول در دوران ابتدای نزول یک مرتبه نام سوره علق به چشم می‌خورد. البته ناگفته نماند که نام برخی از سوره‌ها در این روایات دوبار تکرار شده است که این تکرار به معنای دو قسمت نازل شدن سوره نیست بلکه تصحیفی است که بر اساس اشتباه ناسخان نام یک سوره دوبار تکرار شده است. برای نمونه می‌توان به تصحیف سوره نحل به نمل اشاره کرد.

در روایت ترتیب نزول سعید بن مسیب از امام علی^(ع‌الیه‌السلام) به جهت اشتباه ناسخ سوره‌ی نحل به نمل، تصحیف شده است، زیرا در این روایت از سوره‌ی نحل نامی به میان نیامده و سوره نمل یک بار بین دو سوره‌ی شعراء و قصص در دوران میانی مکه و بار دیگر بین دو سوره‌ی کهف و نوح در دوران پایانی مکه ذکر شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۶). دیگر روایات ترتیب نزول، سوره‌ی نمل را بین دو سوره‌ی شعراء و قصص در دوران میانی مکه، و سوره‌ی نحل را بین دو سوره‌ی کهف و نوح در دوران پایانی مکه قرار داده‌اند؛ از این طریق می‌توان نتیجه گرفت که سوره‌ی نمل قرار گرفته بین دو سوره‌ی کهف و نوح در روایت امام علی^(ع‌الیه‌السلام)، تصحیف شده‌ی سوره‌ی نحل است.

۹. بررسی ارتباط لفظی و معنایی بین آیات سوره علق

از دیگر راه‌های اثبات پیوستگی نزول آیه‌های یک سوره ارتباط لفظی و معنایی بین آیات یک سوره است. از آنجایی که موضوع این مقاله اثبات پیوستگی نزول سوره علق هست و در نظر برخی از محققان این سوره از فقرات نزول، به صورت جدا از هم تشکیل شده است؛ تنها به ارتباط بین فقرات ادعایی در نزول از هم گسسته پرداخته می‌شود نه ارتباط بین تک آیات. در تفاسیر و جوامع حدیثی برای نزول گسسته سوره علق سه دسته فقره نزول ادعا شده است در ادامه به بررسی ارتباط لفظی و معنایی این سه دسته پرداخته می‌شود:

۹-۱. اثبات ارتباط بین ۳ آیه اول با دیگر آیات سوره علق

در برخی منابع چنین ادعا شده است که ۱۹ آیه سوره علق به دو بخش نازل شده است در ابتدا سه آیه اول سپس ۱۶ آیه انتهایی. روایت چنین است:

«حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ عُقَيْلٍ، عَنِ ابْنِ شَهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا قَالَتْ: رَسُولُ اللَّهِ فِي غَارٍ جَزَاءٍ، فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ. قَالَ "مَا أَنَا بِقَارِيءٍ". قَالَ "فَأَخَذَنِي

فَعَطَّنِي حَتَّىٰ بَلَغَ مِنِّي الْجُهِدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ أَفْرَأُ. قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِيٍّ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّىٰ بَلَغَ مِنِّي الْجُهِدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ أَفْرَأُ. فَقُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِيٍّ. فَأَخَذَنِي فَعَطَّنِي الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ: {أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * افْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ} . فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... (بخاری، ۱۴۲۲، ص ۷۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۷۹).

از سخن فوق چنین استنباط می شود که اولین فقره نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه آیه اول سوره علق است و پس از آن فترت وحی اتفاق افتاده است. حال جهت بطلان این ادعا به بررسی ارتباط لفظی و معنایی سه آیه ابتدایی و ۱۶ آیه انتهایی پرداخته می شود:

۹-۱-۱. اثبات ارتباط لفظی

فقره اول نزول: «افْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * افْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ».

فقره دوم نزول: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ... تا آخر سوره.

عبارت «الَّذِي» در آیه ۴ مرتبط با عبارت «الْأَكْرَمُ» مذکور در آیه ۳ است و در حقیقت توصیفی از عبارت «رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» است. علمای علم نحو عبارت «الَّذِي» را صفت عبارت «الْأَكْرَمُ» گرفته اند (علوان، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۲۷۰۶) و زمانی می توان به زبان عربی پایبند بود که این دو عبارت با هم نازل شده باشند و جدای انگاشتن این دو عبارت با سیاق و بلاغت زبان عرب سازگاری ندارد.

ضمیر مستتر هو در فعل «عَلَّمَ» در دو آیه «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» و «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» به «رَبُّكَ» مذکور در دو آیه «افْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «افْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» بازمی گردد و بر اساس قواعد سیاق و بلاغت زبان عربی نمی توان این دو فقره را از هم جدای نمود.

۹-۱-۲. اثبات ارتباط معنایی

از جهت معنا نیز بین سه آیه اول و آیات انتهایی سوره ارتباط وجود دارد. یکی از مصادیق کرامت خداوند در آیه «افْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» تعلیم با قلم و تعلیم نادانسته ها به انسان در آیه «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» است. این مفهوم در تفسیر *الاساس* نیز اشاره شده است:

«و أن من كرمه تعالى أن علم الإنسان ما لم يعلم فشرفه و كرمه بالعلم. فدل على كرمه بأنه علم

عباده ما لم يعلموا، و نقلهم من ظلمة الجهل إلى نور العلم» (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۶۰۱).

نیز آموختن به دو صورت انجام می شود در برخی موارد با اعضا و جوارح طبیعی و در برخی موارد از طریق عمل. در این سوره به آموختن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طریق غیر طبیعی

اشاره شده است. این مفهوم در حدیث «من عمل بما علم ورثه الله علم ما لم يعلم» نهفته است (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۶۰۳). در آیه اول «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» فرمان خواندن به پیامبر داده شده است. این در حالی است که پیامبر به خواندن آشنایی نداشت این مفهوم در آیه «عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (النساء: ۱۱۳) نهفته است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۳۳۶). در این آیات خداوند پس از بیان قدرت خویش در خلقت انسان از علق به بیان نمونه‌ای از کرامت خویش در راستای قدرتش که همانا آموزش خواندن به پیامبر بوده اشاره کرده است و فرموده «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این عبارت تکمله و نتیجه عبارت آغازین سوره یعنی «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» است و جدای انگاشتن نزول این فقرات با فصاحت و بلاغت عربی سازگاری ندارد و غیر عقلانی است.

۹-۲. اثبات ارتباط بین ۵ آیه اول با دیگر آیات

در برخی منابع چنین ادعا شده است که ۱۹ آیه سوره علق به دو بخش نازل شده است در ابتدا ۵ آیه اول سپس ۱۴ آیه انتهایی. روایت چنین است:

«روی محمد بن اسماعیل هذا الحديث في موضع آخر من كتابه عن يحيى بن بكير بهذا الإسناد، و قال: حدثني عبد الله بن محمد ثنا عبد الرزاق أنا معمر قال الزهري فأخبرني عروة عن عائشة و ذكر الحديث، و قال: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ حتى بلغ ما لم يعلم و فتر الوحي فتره...» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۸۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۲۱؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۵).

از عبارت فوق چنین استنباط می‌شود که اولین فقره نزول وحی بر پیامبر ^(صلی الله علیه وآله) ۵ آیه اول سوره علق است و پس از آن فترت وحی اتفاق افتاده سپس ۱۴ آیه انتهایی نازل شده است. حال جهت بطلان این ادعا به بررسی ارتباط لفظی و معنایی ۵ آیه ابتدایی و ۱۴ آیه انتهایی پرداخته می‌شود:

۹-۲-۱. اثبات ارتباط لفظی

بین دو فقره نزول ادعایی ارتباط لفظی وجود دارد؛

فقره اول نزول: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».

فقره دوم نزول: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَى * إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى» تا انتهای سوره. بین آیه‌های «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» در فقره نزول اول و «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى» در فقره نزول دوم ارتباط لفظی وجود دارد. ضمیر مفرد مخاطب «ك» در «إِنَّ إِلَىٰ

رَبِّكَ الرَّجْعِي» به ضمیرهای «ک» در آیه‌های «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» بازمی‌گردد. جدای نمودن این دو فقره از آیات و با فاصله نازل شدن آن‌ها با بلاغت و فصاحت و روح زبان و ادبیات عرب سازگاری ندارد.

نیز عبارت «كَلَّا» از حرف ردع است و آغاز سخن با حرف ردع با بلاغت عرب سازگاری ندارد. در حالی که آیه ۶ سوره علق با حرف کلا شروع می‌شود «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطْفِي» و جدای انگاشتن نزول ۵ آیه ابتدایی سوره با ادامه آیات سوره قابل پذیرش نیست.

۹-۲-۲. اثبات ارتباط معنایی

از جهت معنایی نیز بین ۵ آیه ابتدایی و ۱۴ آیه انتهایی ارتباط وجود دارد. بین عبارت‌های «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * وَإِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي» ارتباط معنایی وجود دارد و «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي» نتیجه دو آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» است. بدین معنا که ای انسانی که از تکه گوشتی آفریده شده‌ای به هوش باش که قیامت و بازگشتی در راه است.

برخی از مفسرانی که به ارتباط آیات توجه کرده‌اند نیز به این ارتباط اشاره کرده‌اند برای نمونه صادقی تهرانی در ارتباط فقره اول و دوم چنین گوید:

«كَلَّا، إنه لا يثبت هذا الإنسان أنه علق خلق من علق، و إن ربه علمه، فهو متعلق الذات و الكمالات بره، و لكنه ينسى فيطغى أن رأى نفسه مستغنيا عن ربه و ليس به!» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۳۶۷).

نیز سعید حوی گوید:

«كَلَّا كلمة يراد بها الردع، و هي في هذا السياق تفيد أن ناسا لا يقرءون الكون و الحياة باسم الله عزّ و جل، و لا يرتبون على ذلك ما ينبغي أن يترتب، و أن هناك ناسا لا يشكرون نعمة الله عزّ و جل في التعليم و الخلق و العطاء، و من ثم قال تعالى: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطْفِي أَنْ رَأَهُ أَي: أن رأى نفسه استغنى بما له أو علم أو جاه، فبدلا من أن ينسب ذلك إلى الله لا ينسبه، و بدلا من أن يشكر الله عزّ و جل بالعبادة و التقوى» (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۶۰۶).

علامه طباطبایی نیز بیان نموده است که عبارت «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطْفِي أَنْ رَأَهُ اسْتغْنَى» نفی و ردعی بر آیات پیشین است همان آیاتی که خداوند به انسان نعمت‌هایی نظیر تعلیم به قلم

و هر آنچه به علم و تعلیم مرتبط است داد و خداوند از انسان‌ها این انتظار داشت که نعمت‌هایش را شکر گویند اما انسان ناسپاس کفر ورزید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۲۴). عبدالکریم خطیب نیز به ارتباط بین فقره اول و فقره دوم نزول اشاره کرده است: «أن المناسبة جامعة بينها و بين ما قبلها، فقد قلنا: إن قوله تعالى: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفِي، أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى» هو رد على سؤال وارد على قوله تعالى: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» ... و السؤال هو: هل أذى الإنسان حق هذه النعمة التي أنعمها الله عليه؟ و هل كان له من علمه هذا الذي تعلمه، و الجواب على هذا: «كَلَّا» (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶، ص ۱۶۲۶).

۹-۳. اثبات ارتباط بین ۸ آیه اول با دیگر آیات

در برخی منابع چنین ادعا شده است که ۱۹ آیه سوره علق به دو بخش نازل شده است. در ابتدا ۸ آیه اول و سپس ۱۱ آیه انتهایی. روایت چنین است: «حدثني بكر بن الهيثم، ثنا عمرو بن عاصم، عن هشام بن الكلبي، عن أبي صالح قال أول ما نزل من القرآن اقرأ باسم ربك الذي خلق، حتى بلغ إلى الرجعي» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۰). برخی از مفسران نیز با توجه به این روایت اولین فقرات نزول وحی را ۸ آیه اول سوره علق می‌دانند:

«هذا أول ما كلم جبريل النبي ﷺ حين تبدى له. قال له: اقرأ باسم ربك الذي خلق ... إلى قوله: إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى» (هوارى، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۴۷۱).
 «قوله: اقرأ باسم ربك الذي خلق أول ما كلم جبريل النبي ﷺ حين تبدى له قال له: اقرأ باسم ربك الذي خلق ... إلى قوله: إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى» (ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴، ص ۵۲۸).
 از عبارت فوق چنین استنباط می‌شود که اولین فقره نزول وحی بر پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) ۸ آیه اول سوره علق است؛ سپس ۱۱ آیه انتهایی نازل شده است. حال جهت بطلان این ادعا به بررسی ارتباط لفظی و معنایی ۸ آیه ابتدایی و ۱۱ آیه انتهایی پرداخته می‌شود:

۹-۳-۱. اثبات ارتباط لفظی

بین این دو فقره نیز ارتباط وجود دارد:

فقره اول نزول: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ * كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفِي * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى * إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى».
 فقره دوم نزول: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى * أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى * تَأْتِيهِ سوره».

در سوره علق بین آیه‌های «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ»، «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» در فقره نزول اول با آیه‌های «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ»، «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ»، «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ»، «كَلَّا لَا تُطْعَمُهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» در فقره نزول دوم ارتباط لفظی وجود دارد. ضمیر «ت» در آیه‌های «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ»، «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ» و «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ» و ضمیر مستتر «انت» در سه فعل «لا تُطْعَمُهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» به ترتیب به ضمیرهای «ک» در عبارت ربک و «انت» در آیه‌های «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» باز می‌گردد. جدای نمودن این دو فقره از آیات و با فاصله نازل شدن آن‌ها با بلاغت و فصاحت و روح زبان و ادبیات عرب سازگاری ندارد.

۹-۳-۲. اثبات ارتباط معنایی

بین فقره نزول اول و دوم ارتباط معنایی وجود دارد و جدا نازل شدن این دو فقره صحیح نیست. آیات «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» در حقیقت مصداق و نمونه‌ای از طغیانگری انسانی است که در آیات قبل از آن سخن به میان آمد و چنین فرمود: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَلَىٰ» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴، ص ۳۴۱؛ خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶، ص ۱۶۲۶).

سعید حوی در ارتباط بین این دو فقره چنین گوید:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ هَذَا أَوْلَ مَظْهَرٍ مِنْ مَظَاهِرِ الطُّغْيَانِ، أَنْ يَنْهَىٰ إِنْسَانَ إِنْسَانًا عَنِ الصَّلَاةِ عِبَادَةً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ الْخُطَابِ فِي الْآيَةِ الْأُولَىٰ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَافِتًا نَظَرَهُ إِلَىٰ طُغْيَانِ هَذَا الْإِنْسَانِ، وَ أَنَّهُ نُمُودَجٌ عَلَىٰ الطُّغْيَانِ كَأَثَرٍ عَنِ رُؤْيَاةِ الْاسْتِعْجَالِ» (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۶۰۸).

نتیجه‌گیری

از مطالب ذکر شده نتایج زیر به دست آمد:

۱. دو عبارت «ضعوا هذه الآية في السورة التي يذكر فيها كذا وكذا» و «كانت إذا نزلت فاتحة سورة بمكة كتبت مكّية، ثم يزيد الله فيها ما يشاء بالمدينة» مبنی بر نزول گسسته سوره‌ها از ضعف سندی برخوردار است و مخالف روایت‌های امامان معصوم (علیهم‌السلام) است.

۲. روایت‌های منقول از امامان معصوم مبنی بر نزول پیوسته سوره‌ها و ردّ آیات مستثنیات و پالایش روایات سبب نزول مهم‌ترین دلیل بر نزول پیوسته سوره‌های قرآن کریم است.
۳. به جهت اضطراب متنی بین روایت‌های ذکر شده مبنی بر نزول گسسته سوره علق نمی‌توان به این روایات اعتماد کرد.
۴. ارتباط لفظی و معنایی بین فقرات ادعایی نزول گسسته سوره علق، نزول پیوسته و دفعی این سوره را اثبات می‌نماید.
۵. به جهت ارسال و انقطاع سند و وجود افراد ضعیف و متهم به کذب در سلسله اسناد نزول گسسته سوره علق نمی‌توان به این روایات اعتبار داد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن اثیر، عز الدین ابی الحسن علی بن محمد جزری، (بی‌تا)، *أسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان.
- ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، (۱۴۱۵)، *الاصابۃ فی تمییز الصحابۃ*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خیاط، خلیفه، (۱۳۸۷)، *تاریخ خلیفه*، تحقیق نجیب فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن داوود، تقی الدین حسن بن علی، (۱۳۹۲)، *رجال ابن داوود*، قم: منشورات الرضی.
- ابن سید الناس، محمد بن محمد بن محمد بن أحمد، (۱۴۱۴)، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار القلم.
- ابن ضریس بجلی، محمد بن ایوب، (بی‌تا)، *فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه*، بیروت: دار الفکر.
- ابن عبدالبر، عمر یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، تحقیق محمد علی بجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن کریم العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۴۶)، *الفهرست*، به تحقیق رضا تجدد، تهران: چاپخانه بازرگانی ایران.
ابن ابی زینب، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴)، *تفسیر ابن ابی زینب*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات
محمد علی بیضون.

ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸)، *احکام القرآن*، بیروت: دار الجیل.
ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب
العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد بن محمد، (۱۳۸۴) *شرح نهج البلاغه*، به کوشش محمد ابوالفضل
ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن کریم*، تهران: بنیاد بعثت.
بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (۱۴۲۲)، *الجامع الم سند الصحیح المختصر من أمور رسول
الله ﷺ* کراتشی: البشر.

بسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان، (۱۴۰۱)، *کتاب المعرفة و التاريخ*، تحقیق اکرم ضیاء العمری،
بیروت: مؤسسه الرساله.

بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰)، *تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث
العربی.

بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷)، *جمل من از ساب الأ شراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض
زرکلی، بیروت: دار الفکر.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، (۱۴۰۵)، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب ال شریعة*، تحقیق عبد
المعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۱۹)، *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۵)، *سنن الترمذی*، به تحقیق احمد محمد شاکر، مصر: مطبعه مصطفى.
ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸)، *تفسیر الثعالبی المسمى بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*،
بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۵۳)، *الغارات*، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران:
انجمن آثار ملی.

حاکم نیشابوری، أبو عبدالله محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱)، *مستدرک علی صحیحین*، مصطفی عبد القادر
عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

حسکانی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل لقواعد التفصیل*، به تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷)، *خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال*، قم: مؤسسه نشر الفقاهه.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.

حوی، سعید، (۱۴۲۴)، *الاساس فی التفسیر*، قاهره: دارالسلام.

حیدری مزرحه آخوند، محمد علی؛ اقبال، ابراهیم؛ اشتیری رکن آبادی، محمد رضا، (۱۳۹۵)، «عوامل

پیدایش آیات مستثنیات»، *پژوهش های قرآنی*، شماره ۴، پیاپی ۸۱.

حیدری نسب، علیرضا، (۱۳۹۰)، «ابن شهاب زهری و عداوت اهل بیت علیهم السلام»، *پژوهش های قرآن و*

حدیث، شماره ۲.

خامه گر، محمد، (۱۳۹۶)، «نگاهی به چگونگی نزول سوره های قرآن کریم»، *پژوهش های قرآنی*،

شماره ۴، پیاپی ۸۵.

خطیب، عبدالکریم، (۱۴۲۴)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت: دار الفکر العربی.

خویی، ابوالقاسم، (بی تا)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر الثقافه

الاسلامیه.

دروزه، محمد عزه، (۱۳۸۳)، *التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول*، قاهره: دارالاحیاء الکتب

العریبه.

دروزه، محمد عزه، (بی تا)، *سیره الرسول صوره مقتبسه من القرآن کریم الکریم*، بیروت: مکتبه

العصریه.

ذهبی، محمد بن احمد شمس الدین، (۱۴۰۵)، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره: دار الحدیث.

ذهبی، محمد بن احمد شمس الدین، (۱۴۱۳)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت:

دارالکتب العربی.

زرکشی، بدرالدین، (۱۴۰۴)، *البرهان فی علوم القرآن*، با تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت:

دارالفکر.

زرکلی، خیرالدین، (۲۰۰۲)، *الاعلام*، بیروت: دار العلم للملایین.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی*

وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دار الفکر.

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴)، *الدر المشهور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)؛
- مدیر شانه چی، کاظم، (بی تا)، *درایه الحدیث*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۷۶)، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، به تحقیق محمد علی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶)، *الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ اسلامی.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (۱۴۱۱)، *تفه سیر القرآن العزیز المسمی تفه سیر عبدالرزاق*، بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۵)، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- علوان، عبدالله بن ناصح، (۱۴۲۷)، *اعراب القرآن الکریم*، مصر: دار الصحابه للتراث.
- عنايه، غازی، (۱۴۱۱)، *اسباب النزول القرآن کریم*، بیروت: دارالجيل.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، *کتاب التفه سیر*، به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- فائز، قاسم، (۱۳۷۸)، «معیار های شناخت آیات و سور مکی و مدنی»، *مقالات و بررسیها*، شماره ۶۶.
- فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد.
- کلباسی، زهرا، احمدنژاد، امیر، (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی دلالت روایت «ضعوا هذه الآيات...» بر نزول گسسته سوره های قرآن»، *مطالعات فهم حدیث*، سال سوم، شماره ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
- ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، *الذکت و العیون تفسیر الماوردی*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- مزی، یوسف، (۱۴۰۸)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت: مؤسسه الرساله.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۴۰۹)، *مروج الذهب*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، (۱۴۲۰)، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع*، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- موسوی دارابی، سید علی، (۱۴۲۳)، *نصوص فی علوم القرآن کریم*، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه.
- هواری، هود بن محکم، (۱۴۲۶)، *تفسیر کتاب الله العزیز*، الجزائر: دار البصائر.
- واقدی، محمد بن سعد، (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب ابن واضح، (۱۴۱۳)، *تاریخ یعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت: موسسه الاعلمی المطبوعات.